

تجدید حیات سوختایی

یکی از شهرهای باستانی بودایی در تایلند
به کمک یونسکو
شکوه و عظمت گذشته خود را باز خواهد یافت

نوشته ام. سی. سوبهادرادیس دیسکول

مقالات این شماره بوسیله آقای شاپور اسدیان ترجمه شده است

فاصله دوازده کیلومتری شهر قدیمی و در کنار رودخانه «روم» واقع شده است.

تأسیس پادشاهی سوختایی، بی شک، به اواسط قرن سیزدهم میلادی باز می گردد، به زمانی که فرمانروایان «خم» از آن منطقه کاملاً رانده شدند. بر اساس پژوهشهای اخیر تصور می رود که از سال ۱۲۴۰ تا سال ۱۴۳۸ هجری قمری پادشاه پست سرهم بر سوختایی سلطنت کرده اند. مشهورترین آنها احتمالاً «رام خامپسا» انگ کبیر، سومین پادشاه سلسله بوده است. در دوران پادشاهی وی گسترش جغرافیایی سوختایی به بالاترین حد خود رسید و هم او بود که الفبای تایی را در سال ۱۲۹۳ اختراع کرد. افسانه های فراوانی از او با نام «پراوانگ» و به عنوان قهرمانی که از قدرت جادویی قابل ملاحظه ای برخوردار بوده، یاد کرده اند.

چنین بنظر می رسد که جانشین وی «شاه لئوتایی» بخش وسیعی از سرزمینی را که به عنوان میراث دریافت کرده بود از دست داد. «لیتایی» نوۀ «رام کامپهانگ» که از سال ۱۳۴۷ تا حدود سال ۱۳۶۸ فرمانروایی کرد وحدت گذشته قلمرو سلطنتی سوختایی را مجدداً به وی باز گرداند بی آنکه بتواند آنرا تا حدود قبلی خود گسترش دهد. او از هواخواهان متعصب آیین بودایی تراوادا (منشعب از فرقه سری لانکا) و نخستین پادشاه تایلندی بود که بخشی از عمر خود را بعنوان یک کشیش سپری ساخت.

او با قلمرو سلطنتی قدرتمند «آبودهیا» که از سال ۱۳۵۰ در منطقه جنوبی تایلند تأسیس شده بود به نبرد پرداخت و طبق یکی از کتیبه های سنگی موجود ناگزیر شد که سوختایی را ترک کند و در «پیسنولوک» که یکی از شهرهای مهم واقع در ناحیه شرقی قلمرو سلطنتی بود مستقر گردد.

از آن دوران بیحد اگرچه باز سه نفر دیگر از خاندان سلطنتی سوختایی پادشاهی کردند ولی شهر سوختایی تفوق خود را از دست داد و تحت الشعاع «پیسنولوک» یا «کامپا انگیت»، واقع در جنوب، قرار گرفت. آخرین وارث تاج و تخت سلطنت در سال ۱۴۳۸ جان سپرد و در این تاریخ قلمرو سلطنتی سوختایی به امپراطوری «آبودهیا» ملحق گشت.

خرابه های سوختایی، پایتخت یکی از قلمروهای سلطنتی باستانی تایی، در شمال تایلند کنونی در حدود پانصد کیلومتری شهر بانکوک قرار گرفته است.

پادشاهی سوختایی در حدود دویست سال دوام پیدا کرد. ولی این کوتاهی نسبی عمر با تأثیر عظیمی که مکتب هنر سوختایی، روی هنر اخیر تایلند، همچنین روی هنر کشورهای همسایه آن خاصه کشور لائوس بجای گذاشته هیچگونه نسبت مشترکی ندارد. مکتب هنری سوختایی والاترین شکل هنری در تاریخ هنر تایلند بشمار می آید و در واقع بجاست اگر گفته شود که سوختایی، مهد تمدن تایی، نه تنها به تایلند بلکه به میراث بشریت تعلق دارد.

می توان گفت شهر سوختایی که معنای تحت اللفظی آن «سپیده دم خوشبختی» است در حدود پایان قرن پانزدهم میلادی بصورت یک شهر کاملاً متروک در آمد. با اینهمه بناهای تاریخی بسیاری از این شهر باستانی بجای مانده است و با وجودیکه از گزند زمانه و یغماگران و نابودکنندگان آثار هنری صدمات فراوانی دیده باز هم روشننگر گذشته پرشکوه و افتخار آمیز سرزمین خود می باشد.

خرابه های شهر سوختایی در سمت مغرب و در برابر یک رشته کوه بسیار بلند و با عظمت قرار دارد در حالی که در سمت مشرق زمین صاف و هموار است. آب مورد نیاز شهر قدیمی بوسیله کانالی که در شمال شرقی و جنوب غربی کشیده شده است تأمین می شود. شهر جدید که توسط یکی از شاهان تایلند بنام «رامای اول» در سال ۱۷۸۶ بنیان نهاده شده در

ام. سی. سوبهادرادیس دیسکول M.C. Subhadradis Diskul مورخ و باستان شناس تایلندی است. این دانشمند پیش از آنکه در زمینه باستان شناسی و هنرهای شرقی در پاریس و لندن بمطالعات عمیقی دست بزند در دانشگاه «سولولونگ کورن» شهر بانکوک در رشته هنرهای زیبا بتحصیل پرداخته است. او در حال حاضر در کشور خود در دانشگاه «سیلیا کورن» بتدریس اشتغال دارد و تاکنون راجع بتاريخ هنر و باستان شناسی تایلند و کشورهای مجاور آن آثار فراوانی تألیف کرده است.



Photo Pairot Chirapong © Comité culturel de la Commission nationale de Thaïlande pour l'Unesco

دو تن از رؤسای قبیله «تایی» باسامی «فاموآنک» و «بانگخاتنگ تاو» با شورش برضد پادشاهان خمر خود و اعلام تاسیس نخستین قلمرو سلطنتی سوخوتایی در قرن سیزدهم میلادی، نه تنها کشور تایلند کنونی را بنیان نهادند بلکه راه را بر شکوفایی هنر مجسمه سازی و معماری «تایی» نیز که تأثیر آن مدتها پس از سقوط سلسله سلطنتی نامبرده ادامه پیدا کرد گشودند. مجسمه های بودا که توسط هنرمندان ساخته شده اند اصیل ترین دستاوردهای هنری دوران حکمفرمای شاهان سلسله سلطنتی سوخوتایی بشمار می آیند. این مجسمه ها نمایشگر مفهوم تازه و ماوراء الطبیعه ای از خدا بودند که بیشتر جنبه آرماسی داشت و از برنز و یا گچ بر گرد قطعه سنگ قرمز رنگی ساخته می شدند. در تصویر بالا تعدادی از مجسمه های بودا را که از گچ بر گرد قطعه سنگ قرمز رنگ ساخته شده اند مشاهده میکنید که از خرابه های معبد «وات پراکابو» در «نامفالنگ فت» واقع در پنجاه کیلومتری جنوب شرقی شهر سوخوتایی پاسداری میکنند. این مجسمه ها اگرچه از دست تجاوز زمان آسیب دیده اند ولی هنوز وقار و شکوه خود را حفظ کرده اند.

یکی از کتیبه‌های سنگی درباره شیوه اداره کشوری «شاه رام‌خامپانگ» که با محبت پدرانه توأم بوده اطلاعات گرانبهای زیر را به دست ما میدهد:

«در طول مدت فرمانروایی «شاه رام‌خامپا انگ» سعادت برشهر سوخوتایی حکمفرماست. آب رودخانه‌ها پراز ماهی و محصول شالیزارها بسیار فراوان است. در طول جاده‌ها از کسانی که گاوها و اسبهای خود را برای فروش بیزار می‌برند عوارضی دریافت نمیشود همه مردم در خرید و فروش فیل، اسب، طلا و نقره آزادند. هرگاه یکی از افراد عادی یا یکی از اشراف درگذرد خانه اجدادی، جامه‌ها، فیلها، تمامی خانواده، نخاپر برنج، خدمتکاران، باغهای گردو و بیشه‌های فندق متعلق بوی همگی بفرزندان او واگذار میشوند. و هرگاه در میان افسراد عادی، نجبا و یا شاهزادگان اختلافی بوجود آید پادشاه در مورد آن صادقانه رسیدگی میکند و آنگاه تصمیم قاطع خود را بیان میدارد بی آنکه از دزد جانبداری کند و یا نسبت بکسی که تظاهر بدرستکاری مینماید اغماض نشان دهد. زیرا او نسبت به برنجی که به همنوعش تعلق دارد هیچگونه طعمی در خود حس نمیکند و ثروت دیگران حس حسادت را در او برنمی‌انگیزد. کسیکه سوار بر فیل بدیدن او می‌آید از وی کمک دریافت میدارد. و چنانچه دیدار کننده فاقد فیل و اسب، مرد و زن و یا طلا یا نقره باشد امثال او را بر آورده میسازد. قتل و شکنجه دشمنانی که باسارت وی در می‌آیند جایز نیست. بر در قصر او زندگی آویزان شده است. کسیکه برای دادخواهی - اعم از مادی و یا معنوی - به او مراجعه میکند کافی است آنرا بصدا درآورد. شاه او را نزد خود فرا میخواند، با دقت به سخنانش گوش میدهد و بشکایت وی عادلانه رسیدگی مینماید.

در مورد مذهب بودایی در کتیبه سنگی چنین نوشته شده است:

«مردم سوخوتایی گشاده دست و پارسا و نیکوکارند. «شاه رام‌خامپانگ» که واضح قوانین حاکم برشهر است، و نیز شاهزادگان، اعم از مرد و زن، اشخاص والا تبار و افراد عادی همگی بمذهب بودایی اخلاص میورزند. برای روزه بودایی احترام فراوانی قائلند و در رعایت مراسم «کاتین» (مراسم اعطای لباس کشیشی) که مدت یک ماه تمام پس از پایان ایام روزه برگزار میگردد بسیار کوشا هستند. تصدات هدایای مراسم مذهبی کاتین که شامل صدف، میوه درخت فوئل، دسته‌های گل، بالش‌ها و مخده‌های بیشمار است همه ساله به حدود میلیون سر میزنند. در فصل تقدیم هدایا، تمامی مردم تا صومعه دور دست «آران پیک» که در قلب جنگل قرار دارد برآهیمایی طولانی دست میزنند و این گروه آنبوه مسافران هنگام بازگشت از زیارت در طول راه با آهنگ چنگ وسازهای دیگر بصورت دسته‌جمعی سرود می‌خوانند. هر یک از افراد مردم آزادند که با فریاد شادی و خنده در مراسم سرود ملی شرکت جویند. جمعیت از چهار دروازه شهر سوخوتایی هجوم می‌آورند تا روشن شدن شمعها و مشعلها را بدست شاه تماشا کنند. در این مراسم تمامی شهر از فریاد شوق و شادی مردم بلرزه در می‌آید.

شهر قدیمی سوخوتایی بشکل مربع مستطیلی است که ۱۸۱۵ متر درازا و ۱۴۰۰ متر پهنا دارد و سه حصه گلی که گودالی پر از آب به پهنای ۲۰ متر آنها را از هم جدا میسازد اطراف آنها فرا گرفته‌اند. در هر دیواری، در چهار جهت اصلی، سه دروازه و پهلوی هر دروازه‌ی برج و بارویی بشکل نیمدایره موجود دارد که تنها آثاری از آنها برجای مانده است. در درون شهر، خرابه‌های شانزده معبد بودایی، چهار معبد هندی، دو صومعه بودایی

این مجسمه باشکوه بودا که بحالت چهارزانو نشسته و وسعت میان دو زانوی آن از یازده متر تجاوز میکند در معبد «سری شوم» واقع در شمال غربی شهر سوخوتایی نگهداری میشود. این معبد را که دیوارهایش سه متر کلفتی و پانزده متر بلندی دارند خندگی فراگرفته است.

Photo Parrot Chirapong
© Comité culturel
de la Commission nationale
de Thaïlande pour l'Unesco

انسانی و مطالعات فرهنگی
مع علوم انسانی



در سمت راست تصویر کتیبه‌ی را که روی سنگ کنده شده است مشاهده می‌کنید. این کتیبه بشهر قدیمی سوخوتایی تعلق دارد و قدمت آن بزرگمان سلطنت «رام‌خامیانک» یکی از بزرگترین پادشاهان سوخوتایی که در آخرین سالهای قرن سیزدهم میلادی فرمانروایی میکرد، میرسد. معنای بخشی از مطالب این کتیبه چنین است: «من در دوران پادشاهی پدرم باو و بمادرم خدمت کردم..... هنگامی که شهری را تصرف می‌کردم همه غنایم جنگی را، اعم از فیل و یا مالا و نقره، و همه اسیران، اعم از زن و مرد، را به پدرم هدیه می‌کردم. وقتی پدرم مرد، برادر بزرگم جانشین او شد و من همانگونه که به پدرم خدمت می‌کردم باوهم خدمت کردم. پس از درگذشت برادرم زمام امور کشور بدست من افتاد.» در پایین، چشم انداز بخشی از شهر قدیمی سوخوتایی را که در حدود پانصد کیلومتری بانکوک قرار دارد می‌بینید. در مرکز تصویر «شدی» (ساختمان منور و بسیار محکمی که در بالای آن منار بلندی قرار دارد) معبد «سراسری» دیده میشود. قرار است که شهر قدیمی بصورت يك تفرجگاه تاریخی درآید و از چندی پیش کارهای مربوط بحفظ و تعمیر ابنیه تاریخی آن که از ارزش بسیاری برخوردارند تحت نظارت دولت تایلند و با همکاری سازمان یونسکو آغاز شده است.

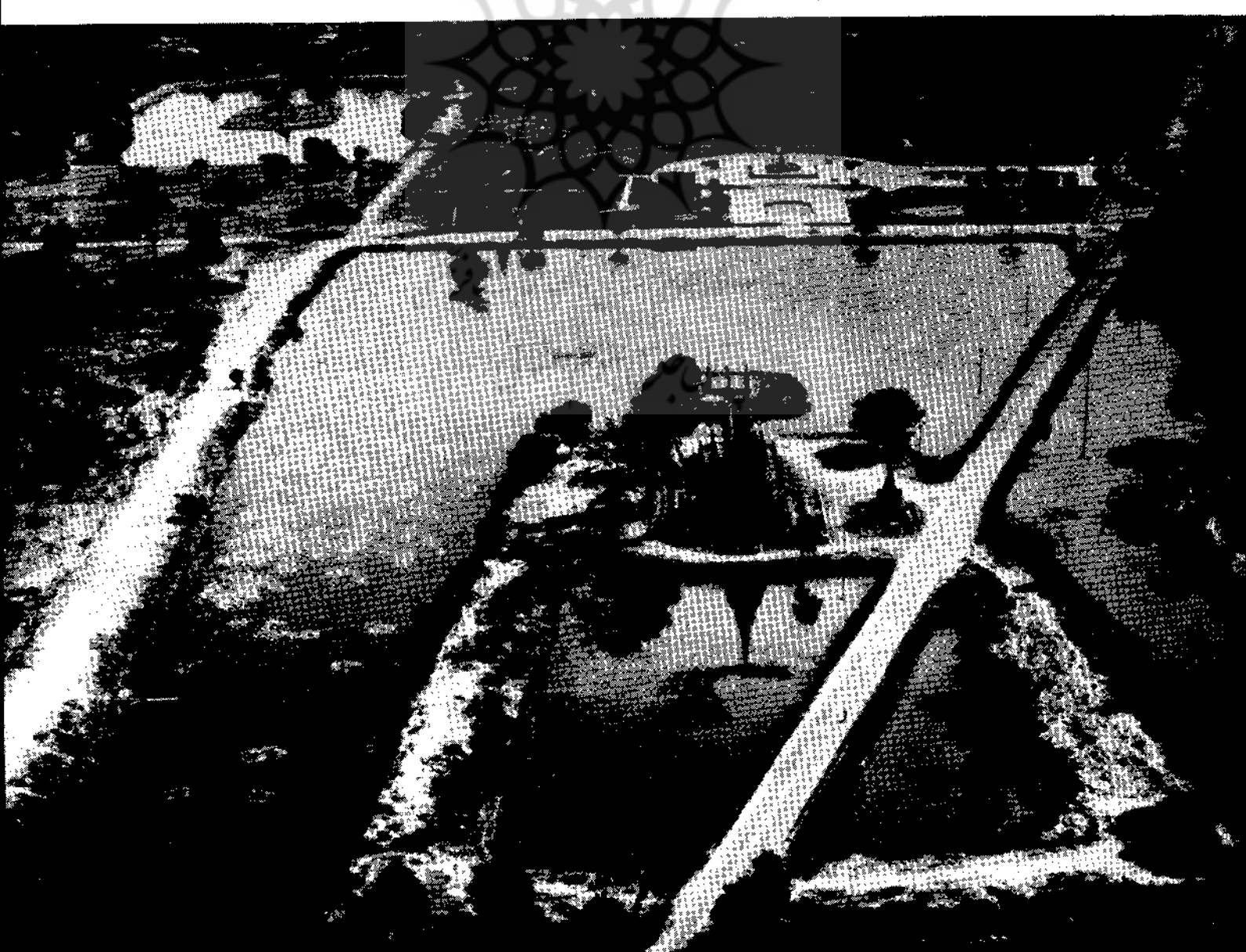
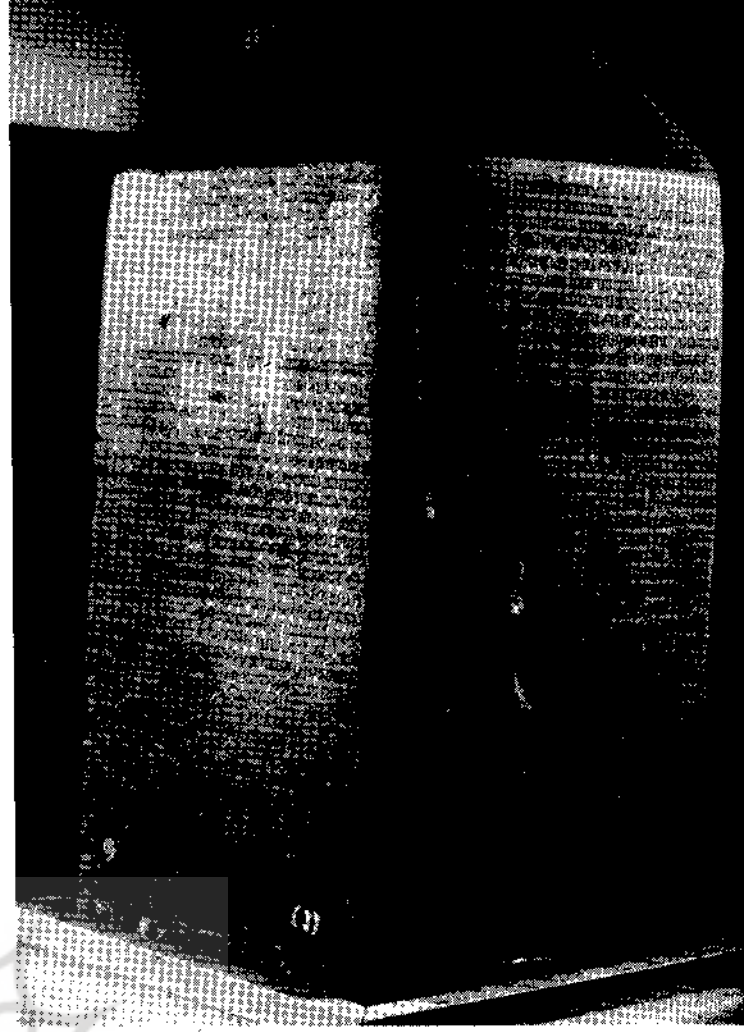




Photo Alexis Varantsov, Unesco



◀ (وات) که هنوز مجسمه‌هایی در درون آن وجود

دارند و نیز چهار استخر بزرگ مشاهده می‌شوند. ساختمانهای تازه را بویژه مجسمه شاه رامخامپاننگ، موزه ملی و بخش هنرهای زیبا تشکیل میدهند. در بیرون از دیوارها نیز، هفتاد بنای تاریخی که تنها بخشی از آنها مرمت یافته، شکوه و عظمت بر بادرفته شهر قدیمی سوختایی را در خاطره‌ها زنده میسازند. در میان بناهایی که بیش از همه جنبه نمونه‌یی دارند در درجه اول باید معبد «ماهاتان» را نام برد که در مرکز شهر قرار دارد. در وسط این معبد بنای مستحکمی بشکل غنچه گل عناب ساخته شده که آثار مقدس و اشیاء متبرک بودا را در خود دارد. احتمال میرود که در گذشته کاخ سلطنتی در شمال شرقی این معبد قرار داشته ولی چون ساختمان‌های آن از چوب ساخته شده بود از اینرو به مرور زمان از میان رفته‌اند.

معبد «سنی‌ساوایی» در جنوب شهر با سه برج با عظمتش در اصل یک زیارتگاه هندی بوده

این مجسمه گچی بسیار جالب و باشکوه «پراآتپاروت» با بلندی ۱۴/۵ متر بودا را در حالت نشسته در معبد «سایان‌هین» نشان میدهد که از بلندی تپه‌یی واقع در غرب شهر و در منطقه‌یی موسوم به «آران‌یک» برشهر سوختایی نظاره میکنند. دست راست بلند شده وی دارای حالتی است که هرگونه خوف و هراسی را از میان میبرد.

و سپس بصومعه بودایی مندل گشته است. در شمال شهر دو ساختمان مهم بچشم می‌خورد: یکی از آندو معبد «تراکوان» است که از روی الگوی معابد سری‌لانکا بنا گردیده و دارای گنبد مدور مستحکمی است که روی یک پایه مریمی شکل ساخته شده و بر بالای آن گلدسته‌یی قرار دارد. این گنبد هم‌آثار مقدس و اشیاء متبرک بودا را در خود جای داده است. و دیگری معبد هندی «سانتافادا اننگ» است که بدون شک توسط خمرها در آغاز قرن دوازدهم میلادی از سنگ قرمز رنگ ساخته شده است.

در جنوب سوختایی، معبد «شتیون» قرار دارد که چهار مجسمه گچی بودا در چهار حالت گوناگون یعنی در حالت‌های پیمایی، ایستاده، نشسته و خوابیده در آن جای دارند. در چند کیلومتری شمال شهر معبد با شکوه «پرایایی لوآننگ» با سه برج (پراننگ) خود که بشکل برجهای معابد خمر ساخته شده و تنها یکی از آنها تاکنون باقی مانده سربر

کشتیهای تجاری کشف شده در سواحل شرقی تایلند میتوان حدس زد - در اواسط قرن شانزدهم میلادی و بهنگام وقوع جنگهای میان دو کشور برمه و تایلند متوقف گشت.

باز در بیرون شهر و درست شمال غربی، صومعه بودایی دیگری با نام «سی شوم» دیده میشود که یک مجسمه گچی بسیار بزرگ در حالت نشسته در زیر یک موندوپ در درون آن قرار دارد. موندوپ یک ساختمان مربعی شکل است که بامی یاریک و بلند دارد و در زمانهای بعد بنا گردیده و دارای دیوار مضاعفی است که در آن دالانی برای رفتن ببالای ساختمان ایجاد گردیده است.

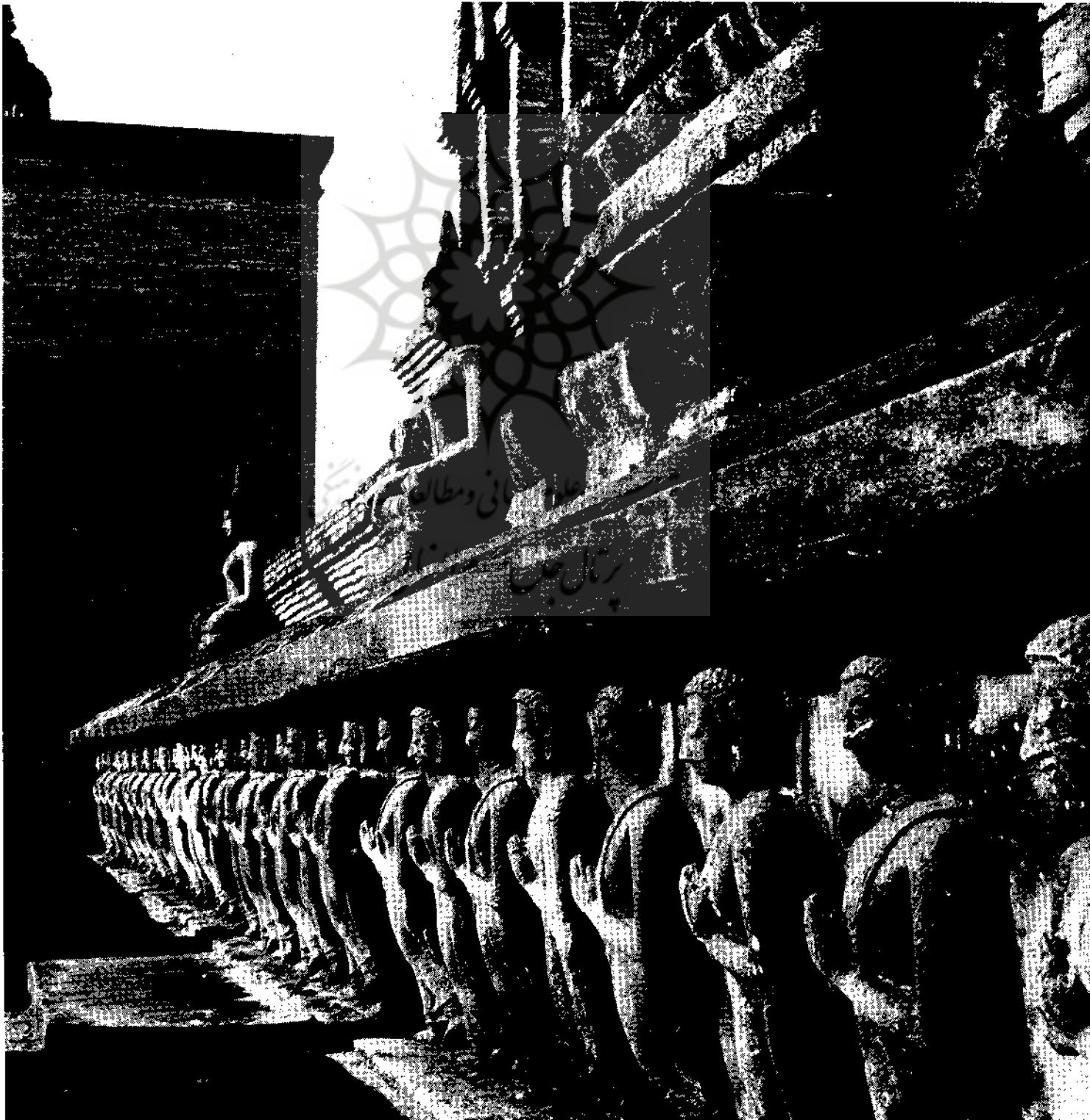
در میان آثار فراوانی از صومعههایی که تیههای «آران بیک» را در مغرب شهر زینت بخشیدهاند باید صومعه «سایان هین» را نام برد. در مجاورت یک سد و دریاچه وسیع آن بر بالای تیهیی که دویست متر بلندی دارد مجسمه گچی

آسمان برافراشته است. این معبد که در پایان قرن دوازدهم و آغاز قرن سیزدهم میلادی بنا گردیده احتمال میرود که در گذشته، پیش از آنکه پایتخت تایی در این مکان ایجاد گردد، در مرکز شهر قرار داشته است. روی نمایی شرقی این معبد هنوز آثار بودایی بسیاری از دوران سوخوتایی باقی مانده است.

در این منطقه بتازگی چهل و نه کوره سفال سازی کشف شده که برای تولید ظروف لعابدار بکار میرفتند. این ظروف شبیه ظروفی هستند که در «سیساجانالایی» شهر توامان سوخوتایی در شمال ساخته میشدند. ولی تولید این ظروف مشهور که یکی از کالاهای مهم صادراتی سوخوتایی را در آنزمان تشکیل میداد در حدود اواسط قرن پانزدهم میلادی که مصادف با جنگهای میان دو قلمرو سلطنتی «آبودهیا» و «شیانگمای» (واقع در انتهای شمالی تایلند) بود و یا - همانگونه که از روی قطعات

تصویر پایین، پایه ساختمان مدور و بسیار محکم مربوط به معبد «ماهاتات» را که در بالای آن منار بلندی قرار دارد نشان میدهد. در زیر دو مجسمه بودا، یک ردیف از مجسمههای گچی مربوط به بیروان بودا در حال پرستش دیده میشوند.

Photo Pairot Chirapong © Comité culturel de la Commission nationale de Thaïlande pour l'Unesco



بودایی بنام «پراآهاروت» با بلندی بیش از دوازده متر قرار دارد.

در مشرق شهر و در درون معبد «تراپانگ تونگ لاتنگ» نقش برجسته با شکوه وجود دارد که بودا را در حالیکه پس از تبلیغ تعالیم خود به مادر مرحومه اش از آسمانهای «تراواتیسا» بیابین میآید نشان میدهد.

«سیلیا بهیراسری» پروفیسور ایتالیایی که تمامی عمر خود را صرف مطالعه درباره هنر «تایی» کرده در نوشته خود راجع به یکی از مجسمه‌های قابل تحسین سوخوتایی که بدن بودا را پس از دریافت وحی و اشراق در حالت استراحت کامل نشان میدهد این هنر را بسیار مورد ستایش قرار داده است. او چنین می‌نویسد: «خطوط چهره نشان دهنده صفای باطنی است در حالیکه یک لبخند خفیف منعکس کننده رضایت کامل درونی است». در واقع بوداپس از آنکه با گاهی حقیقی دست یافت به «نیروانا» واصل شد و هنرمندان تایی برای نشان دادن این تبدیل هیئت شکل خاصی از مجسمه‌سازی که در آن حالت تقریباً آثیری و روحانی وجود دارد ابداع نمودند و بدینسان بهر یک از حالات و حرکات جسمانی بودا حالت ناپیدایی و محو شدن تدریجی بخشیدند که موجب می‌گردد تا مجسمه برتری در یک هماهنگی کامل میان غایت کمال معنوی و تحقق عملی، صورت مادی خود را از دست بدهد. زیرا وظیفه‌ی که برای هنرمند تعیین شده عبارت از الهام‌گیری از جوهر تعالیم بوداست و نه ایجاد پیکر جسمانی وی.

این مجسمه‌ها با وجود شکل بسیار ساده و حالت روحانیتی که دارند نشان دهنده این نکته هستند که هنرمندانی که آنها را ساخته‌اند از دانش دقیقی در زمینه مجسمه‌سازی برخوردار بوده‌اند. مجسمه‌سازان قدیمی سوخوتایی ناگزیر بودند که مشکل میان روح و ماده را که آیین بودایی بهر آنها تحمیل کرد حل کنند. آیا گرافیکویی است اگر گفته شود که آنها با یک استعداد بیمانندی در این کار توفیق حاصل کردند؟ این مجسمه‌ها برآستی نیروی تسلط بر هوسهای نفسانی را جفا منتقل می‌سازند و لبخندی که چهره آنها را روشن می‌سازد بما میآموزد که چگونه میتوان با سرکوبی غرایز حیوانی بسعادت جاودانی دست یافت.

در مورد مجسمه مشهوری که بودا را در حال راه رفتن نشان میدهد و یکی از مهمترین نوآوریهای مکتب سوخوتایی در هنر تجسم بودا بشمار میآید پروفیسور سیلیا بهیراسری چنین مینویسد:

«این مجسمه شاهکار بیمانندی است. اگر با دقت بدان بنگریم چنین بنظر میرسد که آرامی به پیش میآید، گویی بودا میخواهد تا با کمک حرکت نرم و ملایم انگشتان که نمادی از «گردونه قانون» است تعالیم خود را اعلام دارد. تموج سراسر بدن هماهنگ با حرکات موزون بازوان و قهپگاه از عالیترین حد ظرافت برخوردار است. سر مجسمه بشکل غنچه گل عتاب ساخته شده و گردن که پایین‌ترین قسمت آن فراخ است با ظرافت خاصی شانه‌ها را بدان متصل می‌سازد. کوچکترین جزئیات مانند ظرافت شکل نرمه دو گوش که بطرف بیرون خم شده است بر موزون بودن ترکیب کلی مجسمه میافزاید. و اما دست مجسمه آقدر ظریف ساخته شده که بیشتر بصورت یک موجود مقدس و آسمانی است تا دست یک انسان.

دولت تایلند تصمیم گرفته است که شهر سوخوتایی و حومه آنرا بصورت یک منطقه تاریخی در آورد. تصمیم براینستکه بناهای تاریخی این شهر مرمت شوند بگونه‌ی که زیبایی اولیه خود را بازیابند و نیز بر اساس

کتیبه‌های قدیمی موجود سعی خواهد شد که زندگی نوینی به این شهر بخشیده شود و شکوه و عظمت گذشته آن مجدداً بدان باز گردد. در مورد بارور سازی و آبیاری زمینهای شهر و اطراف آن و ترویج مجدد کشت درختان و گیاهانی که در متون قدیمی از آنها نام برده شده اقدامات جدی بعمل خواهد آمد. بدون شک جمعیت کنونی شهر و روستاهای مجاور آن از این طرح نوسازی که موجب پیشرفت فعالیتها و بهبود محیط زندگی آنها خواهد شد بهره‌مند خواهند گشت و در عین حال این طرح برای جلب سیاحان در دیدار از این منطقه کمک بسیار زیادی خواهد کرد.

برای انجام رساندن همه این اقدامات، دولت تایلند بودجه‌ی مبلغ ۱۱۰۰۰۰۰۰ دلار در نظر گرفته است و یکمکهای خارجی تحت اشکال وجوه نقد و تجهیزات هم نیاز هست. یونسکو، بسهم خود، قبول کرده است که این طرح را در برنامه خود بگنجانند و نیز کمکهای خارجی برای این طرح ممکن است توسط یونسکو در اختیار دولت تایلند گذاشته شود.

در حقیقت کار بازسازی شهر سوخوتایی از هم‌اکنون آغاز شده است. بنظر پژوهش درباره نقشه‌برداری محلی، شهرسازی، سیستم آبیاری و غیره بسیاری از استادان جوان از دانشگاههای گوناگون تایلند به محل فرا خوانده شده‌اند و عده‌ی از باستان‌شناسان در حال حاضر برای کشف آثار دیگری از بناهای تاریخی و خانه‌ها بحفر و کاوش زمین در محل ادامه میدهند، همچنین تعدادی از متخصصان علم مردم‌شناسی و قوم‌شناسان با همکاری صمیمانه ساکنان شهر درباره سنن شفاهی،

داستانهای عامیانه، اشیاء متداول و بطور کلی درباره شیوه زندگی مردم بمطالعه میپردازند. وانگهی، تا کنون با الهام از کتیبه‌های قدیمی دو جشنواره بافتخار شهر ترتیب داده شده و تعدادی آثار مصور در مورد سوخوتایی بزبان تایلندی و بسیاری از زبانهای دیگر منتشر گشته که منظور از آن برانگیختن علاقه مردم نسبت باین طرح در همه‌جای جهان است. دیگر چیزی باقی نمانده جز امیدواری باینکه بتوان این طرح وسیع را که تحت نظارت سازمان یونسکو قرار گرفته با امکاناتی که برای اجرای چنین طرح جاه‌طلبانه‌ی کافی باشد با کامیابی بیان رساند.

ا.م.سی. سوپها درادیس دیسکول

شهر شاهکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Photo © M. C. Subhadradis Diskul, Thailand

Photo Hans Hinz. La Sculpture en Thaïlande par Jean Boisselier et Jean-Michel Beaudouin, ed. Office du Livre, Fribourg



Photo Alexis Vorontzoff, Unesco



مجسمه‌سازان مکتب هنری سوخوتایی نه تنها به مجسمه‌هایی که از بودا می‌ساختند شکل تازه‌یی از روحانیت بخشیدند بلکه نخستین هنرمندانی بودند که ساختن مجسمه بودا را در حال راه رفتن «که زیر گامهای او زمین هموار میگردد و درخت‌ناب می‌روید» متداول ساختند. هنرمندان سوخوتایی در چهار حالت: خوابیده، نشسته، ایستاده و در حالت راه‌پیمایی از بودا مجسمه می‌ساختند. ویژگی واقعی مجسمه‌های بودا که در این شهر ساخته می‌شدند گیسوان مجعدی است که تا وسط پیشانی کشیده میشوند و نیز «اوش نیشا»، نوعی برآمدگی جمجمه‌یی است که در بالای آن یک شیئی بلند تزیینی بشکل شعله آتش (راسمی) قرار دارد که نشانه‌یی از قدرت و افتخار بودا است. تصویر بالا در سمت راست بودا را در حال راه رفتن روی یک «موندوب» یا کلافرنگی مربعی شکل در معبد «شتوپون» نشان میدهد. در هر یک از سه‌تلیج دیگر آن تصویر بودا در حالات گوناگون مشاهده میشود. در بالا سمت چپ مجسمه بودا را در حال راه رفتن مشاهده میکنید.

این مجسمه که اکنون در موزه ملی بانکوک نگهداری میشود منعکس‌کننده حالت روحانیت توأم با وقار و تفکر است که مجسمه‌سازان شهر سوخوتایی با توسل بطرح خاصی از خطوط چهره و بدن خواسته‌اند آنرا در آثار خود پدید آورند. در پایین صفحه سمت راست نقوش برجسته دیواری یک کلافرنگی مربعی شکل را در معبد «تراپاتنگ تونگ لانگ» می‌بینید که شاید بتوان آنها را از بهترین نمونه‌های هنر مجسمه‌سازی گچی خاص شهر سوخوتایی بحساب آورد. این نقوش بودا را در حال فرود آمدن از بهشت «تاواتیسا» (سروسه خدا)، درحالی‌که در دوطرف وی «پندرا»، «پراهما» و خدایان دیگری قرار دارند، نشان میدهد. در پایین صفحه سمت چپ یک مجسمه برزی از معبد «شیاتنگ‌مایر» به بلندی ۴۷ سانتیمتر که اکنون در موزه ملی بانکوک نگهداری میشود بودا را پس از فرود آمدن از بهشت سروسه خدا در حالی نشان میدهد که دارد اثر پای خود را بر زمین نقش میکند.

Photo © Life Magazine, Time Inc., New York

دنیا با سهم مشترک یا تقسیم دنیا؟

یک مفهوم تازه قضایای در بین ملل
حق بشریت در منابع کره زمین

نوشته محمد بجاوویی

چنین بنظر میرسد که برقراری هر گونه حقوق بین المللی جدید با این مسئله خطیر بستگی داشته باشد که در جریان رقابت شدید میان اصل حاکمیت دولتها و اصل میراث مشترک چه شرایط و سرنوشتی را باید برای منابع کره زمین در نظر گرفت؟

کارهای مربوط به تدوین حقوق دریایی نشان داده است که بشر مجبور به پرداخت چه بهای سنگینی شده تا مفهوم میراث مشترک بشری بتواند اعتباری را که درخور آنست به دست آورد. یک سوم سطح اقیانوسهای جهان بشکل یک منطقه اقتصادی که وسعت آن طبق تصمیمات کنفرانس مربوط بحقوق دریایی (۱۹۷۴) و قوانین ملی تا دویست میل گسترش پیدا کرده به سی و پنج کشور اختصاص داده شده و بنابراین مناطق وسیعی از کره زمین از حیطة شمول اجرای اصل میراث مشترک بشری مستثنی گشته اند. بعلاوه این میراث بگونه ای ترتیب یافته که میتواند برای آزادی دولتها، دست کم برای آزادی دولتهای برخوردار از قدرت فنی و مالی در جهت دستیابی به پیشرفت و موفقیت فرصتهای مهمی فراهم آورد. (به مقاله «اقیانوس به چه کسی تعلق دارد؟» در شماره بیستم سال ۱۳۵۶ مجله پیام یونسکو مراجعه کنید).

همچنین اگر کسی منشور مربوط به حقوق و وظایف اقتصادی دولتها را که در دوازدهم دسامبر سال ۱۹۷۴ توسط مجمع عمومی ملل متحد تصویب شده مطالعه کند در می یابد که این پیمان تضادهای گوناگونی را در بردارد. در این پیمان، حاکمیت آشکارا

محمد بجاوویی Mohammed Bedjaoui سفیر جمهوری دموکراتیک الجزایر در فرانسه، از وزرای پیشین الجزایر و نماینده دائمی این کشور در سازمان یونسکو است. او همچنین عضو کمیسیون حقوق بین المللی ملل متحد و عضو وابسته انجمن حقوق بین المللی است. این مقاله از یکی از آثار وی بنام «برای ایجاد یک نظام نوین اقتصاد بین المللی» که نخستین اثر از مجموعه آثار یونسکو تحت عنوان «اعتراضات تازه بحقوق بین المللی» بشمار می آید گرفته شده است.

تجارتی در چهارچوب همکاری بین‌المللی، برای تشکیل هر گونه شرکتی از تولید کنندگان با کشورهای دیگر و برای مشارکت در پیشرفت فنی و بهره‌مندی از آن، در منشور مزبور به جنبه‌های بیشماری تقسیم و تجزیه شده که تمامی آنها پیش از همه تصویری از حاکمیت اقتصادی باز یافته کشورهای رو بتوسعه را منعکس میسازند. البته در هیچ جایی، اعمال این حق حاکمیت که با این عبارات بیان گردید تنها مختص کشور-های جهان سوم شمرده نمیشود. ولی همه می-

دانند که کشورهای ثروتمند همیشه اختیار و قدرت را نه تنها در داخل مرزهای خود بلکه در کشورهای دیگر نیز در دست داشته‌اند و نظر باین واقعیت تاریخی، تاکید در مورد این حق حاکمیت و تجدید شناسایی آن بطور رسمی نه بخاطر آنها بلکه بخاطر کشورهای کسم توسعه دیگری که تاکنون از آن محروم بوده‌اند صورت گرفته است.

چنین بنظر میرسد که در منشور طرحی از نظریه «مسئولیت» یا «مسئولیتها» هم که در قبال این حق حاکمیت بدولتها تحمیل میشوند ترسیم شده است. و خاصه در آن راجع بوظیفه محترم شمردن منافع قانونی دیگر کشورها در بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک تاکید بعمل آمده و این البته اشاره بکالاهای احتمالی است که در حال حاضر یا در آینده ممکن

است مشمول اجرای مفهوم میراث مشترک بشری قرار گیرند. و وظیفه دولتها در کمک به توسعه تجارت جهانی و فراهم آوردن موجبات پیشرفت نه فقط ملت‌هایشان بلکه ملل دیگر نیز اشاره باین نظریه «همبستگی» دارد که بر گسترش احتمالی ابعاد مفهوم میراث مشترک استوار است.

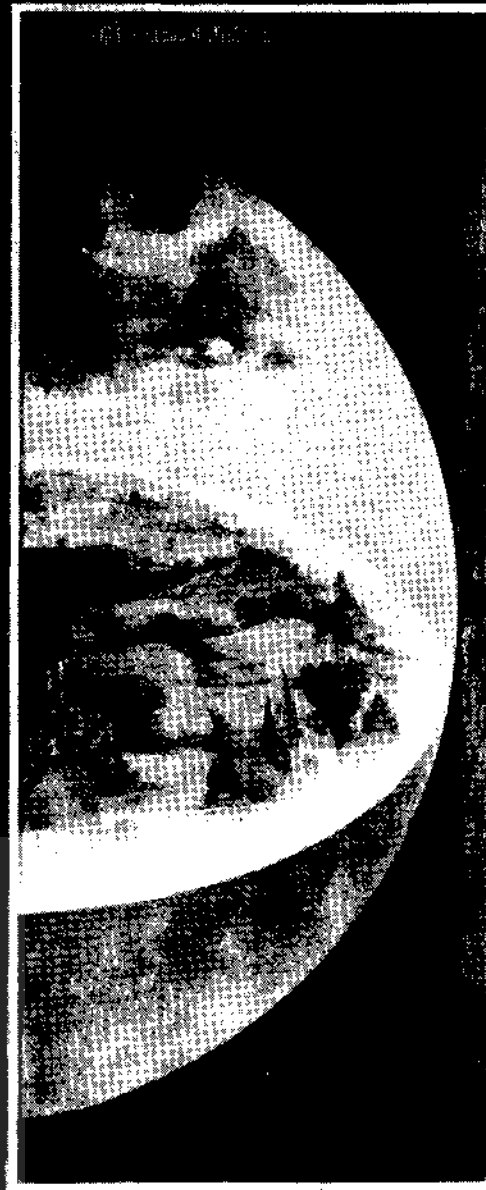
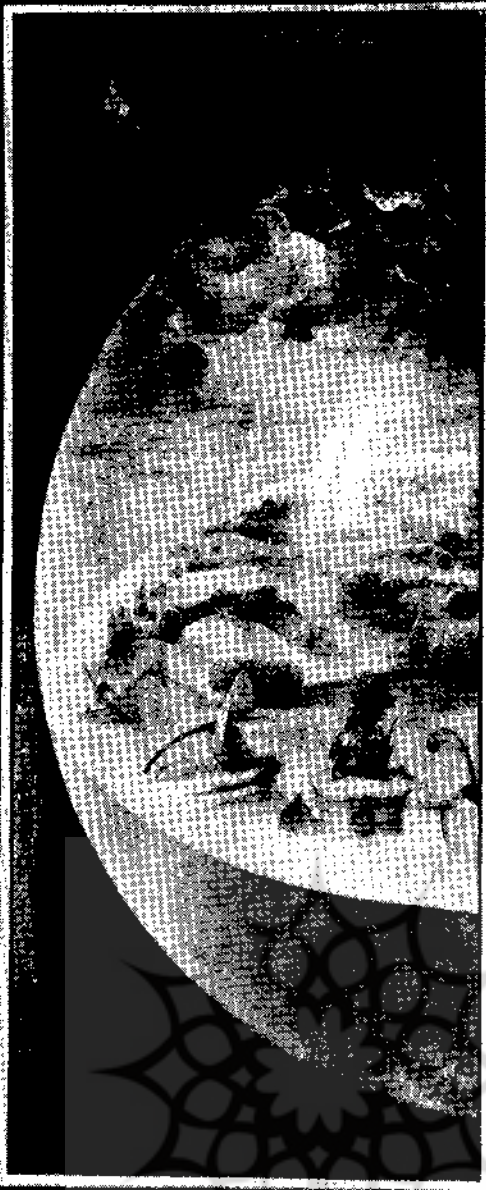
بدینسان دو گرایش که اکنون اندک اندک پدید می‌آیند و ضمن همزیستی اثر خود را روی حقوق بین‌المللی در حال تکوین بجا می‌گذارند کاملاً ناسازگار و آشتی‌ناپذیر بنظر می‌آیند. یکی از این گرایشها در مطالبه حاکمیت دائمی همه کشورهای روی منابع و ثروت‌های طبیعی‌شان خلاصه میشود. برخی از حقوق‌دانان این ادعا را بسیار ناشایست می‌شمرند. این خواست را که از طرف برخی به عنوان «مستی حاکمیت» و از سوی برخی دیگر به عنوان «قهقراپی‌ترین حاکمیت» توصیف می‌شوند، همه از جنبه‌های تاریخی‌اش بعنوان انگیزه‌یی که موجب دگرگونی‌های عظیمی برای ایجاد یک دنیای عادلانه‌تر گردد، تلقی نمی‌کنند.

گرایش دیگر به «امنیت اقتصادی دسته جمعی» و در عین حال بمفهوم میراث مشترک بشری مربوط میشود. برخی روی این نکته شدیداً تاکید می‌ورزند که این ادعا برای مخالفت با گرایش نخستین بوجود آمده است و بهمین جهت در میان کشورهای جهان سوم مشکوک بنظر می‌آید. در واقع، این نکته کاملاً آشکار است که برخی از گرایشهای فکری در غرب دیرتر از موقع به محاسن امنیت اقتصادی جمعی پی برده‌اند و از این محاسن پیش از آنکه برای استقرار تدریجی یک نظم نوین اقتصادی حقوقی عادلانه‌تر استفاده بعمل آید، بعنوان توجیهی برای ادامه دستیابی به منابع مهم و حیاتی جهان سوم - که با عزمی راسخ ادعای حاکمیت مطلق بر آن را دارد - بهره‌گیری میشود.

در درجه اول باید توجه داشت که اگر برای کشورهای جهان سوم این مسئولیت تعیین گردد که در چهارچوب قوانین ملی خود اداره منابع طبیعی‌شان را، از آنرو که مورد نیاز سراسر جهان است، بعهده‌گیرند شرط لازم و قبلی عبارت از شناخت حقانیت ادعای آنهاست. واضح است که ایجاد وابستگی و همبستگی میان کشورها در جهان براساس عدل و منطق متضمن استقلال و حاکمیت اقتصادی کشورهای رو بتوسعه و نیز آمادگی همه کشورها برای عهده‌دار شدن مسئولیت‌های انفرادی و جمعی در جامعه بین‌المللی به سود همگان است. در درجه دوم ذکر این نکته لازمست که اگرچه کشورهای جهان سوم در ابراز تردید نسبت به مشترک ساختن یک جانبه منابع طبیعی خود بنام یک اندیشه نوگرایانه کاملاً حق دارند ولی بمفهوم «حاکمیت اقتصادی دسته جمعی» و «میراث مشترک بشری» در صورتیکه منصفانه و بیغرضانه در مورد همه



کره ششم، مجسمه برزی جهان الی «آرنولدو پومودورو» مجسمه‌ساز ایتالیایی.



در دنیایی که تا حد يك «دهكده جهانی» كوچك شده ديگر نمیتوان برای مسأله كه حفاظت از محیط زیست و بهره برداری از منابع طبیعی آنها را مطرح میسازند راه حل های جداگانه ای اندیشید. كره زمین - همانگونه كه این تصویر مربوط بخلقت جهان موسوم به «بهشت زمینی» اثر سه ننگه یرتاشوی «زروم پوش» آنرا نشان میدهد اكنون بصورت يك «ریزگیهان» درآمده است.

Photo © Mas, Barcelone. Musée du Prado, Madrid

چیز و همه کس بكار بسته شوند علاقه مند هستند.

بعبده دارند تا لایه نازك جو زمین را با استفاده مفرط بیرویه از موتورهای درون سوز از میان نبرند هیچگونه اهمیتی داده نمیشود.

پس مفهوم «میراث مشترك بشری» تنها هنگامی ممكن است اعتبار قابل ملاحظه ای كسب كند كه آشكارا بتواند حقوق و وظایف كشورها را با كمال عدل و انصاف و یا به نسبت يك نابرابری بی كه برای كشورهای روتوسمه جنبه جبران كننده داشته باشد تقسیم كند. اگر نفت يك میراث مشترك بشری است باید در هر كشوری كه - قطع نظر از موقعیت جغرافیایی آن - معدن نفت وجود دارد چنین باشد. نفت آمریکا، انگلستان، نروژ و یا اتحاد جماهیر شوروی - همان اندازه كه نفت خاورمیانه - باید بعموم مردم جهان تعلق داشته باشد. بالاتر از نفت باید مواد غذایی کشاورزی را جزء میراث مشترك بشری دانست كه بزرگترین انبار جهانی آنرا اكنون قاره آمریکای شمالی تشكيل میدهد و كشورهای تولید كننده آن در برابر جامعه بین المللی عموماً و جمعیت فقیر و گرسنه آسیا و آفریقا خصوصاً مسئول شمرده میشوند.

گفته میشود كه حوزه های دو رودخانه آمازون و كنگورا كه بزرگترین منابع اكسیژن در جهان بشمار می آیند میتوان نمونه واقعی میراث مشترك بشری بحساب آورد. به همین عنوان و از آنجا كه اكسیژن برای زندگی كره زمین بطور کلی مطلقاً لازمست از این دو كشورهای كه كنترل حوزه های این رودخانه را بعبده دارند در مورد اداره این ثروت حیاتی در برابر كل جامعه بین المللی پاسخگو هستند. يك چنین مفهومی گذشته از آنكه هیچگونه جنبه نادرست و ناشایستی در بر ندارد باید در چهارچوب اشتراك منابع و ثروت های زمینی هم كه مبتنی بر همسنگی و عاری از هرگونه ملاحظاتی خودخواهانه ملی باشد قرار گیرد. ولی از رفتارهای پیدا و ناپیدای ملل چنین بر می آید كه گویی تنها جهان سوم باید تعهدات ناشی از اجرای مفهوم میراث مشترك بشری را بگردن گیرد و كشورهای صنعتی از حقوق و مزایای مربوط بدان برخوردار گردند. به بیان دیگر، نوعی از تقسیم بین المللی كار كه موجب دوام و حتی تشدید پدیده های سلطه - جویی می گردد مثلاً كشور بزیل و كنگورا بمحافظت از اكسیژن ناگزیر میسازد تا قدرتهای صنعتی بتوانند بدلخواه خود آنرا بسوزانند. بنابراین به تعهداتی كه كشورهای ثروتمند

تصویری كه در اینجا مشاهده میکنید نشان دهنده دنیایی است كه در صلح و هماهنگی كار میکنند. این تصویر را كه در آن كارهای کشاورزی و خانگی بچشم میخورند نقاشی «كوانتین متسیس» (۱۵۴۵-۱۶۶۶) نام از اهالی فلاندر در صفحه مدور يك آونگ نقاشی كسره است.

و در صورت فقدان چنین شرایطی، همانگونه كه یکی از مولفان نوشته است، «این مفهوم، خاصه اگر قبل از موقع اجرا گردد بجای ایجاد زمینه مساعد برای برقراری نظامی از روابط تازه و منصفانه ممكن است پایه ای

انسانها كمك میکنند.

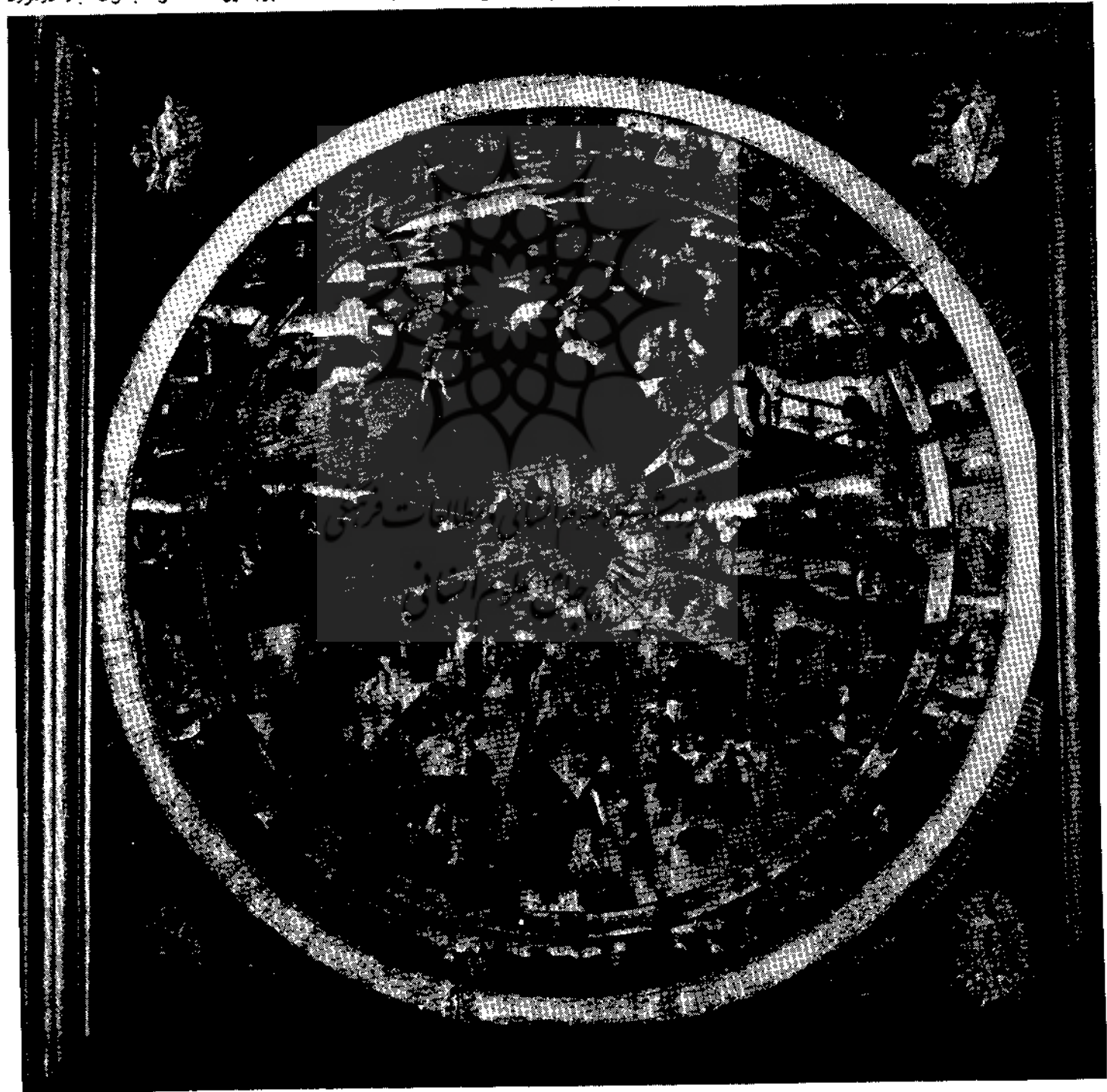
هرگاه انسان آن اندازه جرات داشته باشد که بتواند گوشه‌یی از پرده‌یی را که آینده بشریت را - بهمانگونه که خدایان باستانی و تعین کننده سرنوشته آنرا مقدر ساخته‌اند - از ما نهفته میدارد کنار بزند متوجه میشود که سرنوشته انسان در يك نقطه عطفی قرار دارد. حقوق بین‌المللی در شرف تحولات عمیقی است.

هنگامیکه باصل «میراث مشترك» بعنوان میراث متعلق به تمامی بشریت (باتوجه به بعد مکانی و زمانی آن) اشاره میشود منظور از آن لزوماً اینستکه نسلهای کنونی در مورد نظارت بر این میراث جوابگوی نسلهای آینده هستند. از این دیدگاه انسان برای نخستین بار میتواند درباره علت غایی وجود خود نه تنها به عنوان يك فرد بلکه بعنوان يك نوع (نوع بشری) بیندیشد.

مفهوم میراث مشترك بشری قبلاً در مورد

برای بازگشت روابط تازه وابستگی بنیان‌نهد؛ روابط وابستگی از یکسو میان کشورهای نیرومند که مایل خواهند بود در يك موقعیت ممتاز باقی بمانند و حقوق ویژه ناشی از قدرتمندی را همچنان اعمال کنند و از سوی دیگر میان کشورهای ضعیف که همچنان بیسوده آرزو خواهند کرد که به برابری واقعی امکانات دست یابند ولی مانند همیشه از دسترسی بدان محروم خواهند بود.

ولی واقعیت اینستکه دوگرایی که در بالا مورد بررسی قرار گرفت و منعکس کننده حاکمیت هر کشوری روی منابع طبیعی خود از یکسو، و امنیت اقتصادی دسته‌جمعی و میراث مشترك بشری از سوی دیگر هستند تنها در صورت ظاهر ناسازگار و آشتی‌ناپذیر بنظر می‌آیند. آنها قطع نظر از جنبه‌های متضادشان با تأثیر منطقی متقابلی که روی هم دارند به تحول حقوق بین‌المللی در جهت استقرار تکامل یافته‌ترین اشکال رفاه و سعادت دسته‌جمعی و خاصه به برقراری حقوق تازه‌یی برای عموم



◀ اموال فرهنگی پیشنهاد شده است، آنچه اهمیت دارد توجه باین نکته است که تعمیم تدریجی این مفهوم با ایجاد تغییر شکل کامل در حقوق بین‌المللی که با تحولات عمیق شیوه زندگی و کیفیت زندگی همه انسانها مطابقت دارد يك جنبه کاملاً انقلابی بخود گرفته است.

بهتر است بجنبه واهی تهیه و تنظیم دشواری آمیز حقوق بین‌المللی در حال حاضر توجه داشته باشیم. کاملاً واضح است که تعمیم کاربرد احتمالی مفهوم میراث مشترك بشری بوسیله‌ترین صورت خود در حقوق بین‌المللی در مرحله فعلی تحول انسانی هنوز يك امر غیر عملی بحساب می‌آید. ولی روزی فرا خواهد رسید که در آن بتوان این مفهوم را در تمام قلمروهای حقوق بین‌المللی بری و بحری و هوایی، بکار برد و این خود يك انقلاب شگرفی بشمار خواهد آمد. درصایه این مفهوم، کاربرد حقوق بین‌المللی جدید ممکن است یا را از حدود ماده بی‌اثر یا کالاهای ساخت کارخانه (خود کشور هم ساختمانی فاقد هرگونه جنبه مادی و جسمانی است) فراتر گذارد و مستقیماً ماده زنده، مردم و بویژه انسان را که باید نخستین هدف در ایجاد ضوابط حقوق بین‌المللی محسوب گردد در برگیرد.

در زمینه ایجاد ضوابط و نهادها برای بالا بردن ارزش مفهوم میراث مشترك بشری هنوز کارهای بسیاری وجود دارد که باید انجام گیرند. در این مورد، مسائل مهمی که عموماً تازگی دارند برای سازمانهای بین‌المللی و کشورها مطرح خواهند گشت. دو نوع از این مسائل را که دارای اهمیت بیشتری هستند از یکسو حقوق بشر و از سوی دیگر محافظت از محیط زیست تشکیل می‌دهند و این دو قلمرو باید در درجه اول بمفهوم میراث مشترك بشری وابستگی داشته باشند. زیرا بهره‌برداری از ثروت‌های شگرف اعماق دریاها به نفع انسان در چهارچوب حقوق تازه بشری چه سودی دارد وقتی که شرف و سلامت انسانی مورد تهدید قرار گرفته و محیط زندگی وی چنان بخرابی و تباهی کشیده شده که حیات او را بخطر میاندازد؟

روز چهارم ژوئیه سال ۱۹۷۶ در مجموعی که، بمناسبت دویستمین سالگرد تصویب اعلامیه استقلال ایالات متحده از طرف نمایندگان سیزده مستعمره انگلیسی آمریکای شمالی، تحت سرپرستی بنیاد «الیوباسو» در شهر الجزیره تشکیل شد يك اعلامیه جهانی درباره حقوق ملل بتصویب رسید. ماده ۱۷ این اعلامیه بحق هر ملتی را برای بهره‌گیری از میراث مشترك بشری از قبیل دریاهای آزاد، اعماق دریاها و فضای ماوراء جو مورد تأیید قرار می‌دهد. خود این متن نیز بطرز شجاعانه‌یی برای تعمیم تدریجی اصل میراث مشترك راه می‌گشاید. ولی برای اینکه میراث مشترك مفهوم واقعی خود را بدست آورد لازمست که ضوابط حقوقی خدمت بانسان را هدف اصلی و غایی خود قرار دهند زیرا بالاتر از همه بطور کاملاً آشکار نخستین میراث مشترك بشری خودانسان است.

بدینسان در همه نقاط جهان اندك اندك آگاهی بیشتری در مورد این واقعیت حاصل میشود که در دنیای ما ضرورت ایجاد میکند که انسان راجع بمسائل يك دید جهانی داشته باشد. این مطلب، مطمئناً در قلمرو بومشناسی نیز صدق میکند. طبق نوشته یکی از سیاستمداران آمریکایی بومشناسی سیاره زمین از هرگونه تقسیم‌بندی به اجزاء مجزا و متفاوت ملی بدور است. و پیشهادی که او درباره ایجاد يك «مرکز عالی قدرت بین‌المللی برای

بومشناسی» ارائه کرده با منطق مطابقت دارد. در هفتمین جلسه سومین کنفرانس مربوط به حقوق دریایی که در ماههای آوریل و مه سال ۱۹۷۸ در ژنو تشکیل گردید چند نفر از اعضاء درباره خطرات ناشی از لایه‌های نفت و روغن متحرک بر روی آب دریاها و دیگر اشکال آلودگی دریایی سخن راندند و پیشنهاد نمودند که کنفرانس حمایت از محیط دریایی را به عنوان يك اصل عمده حقوق بین‌المللی بشناسند و نظام تازه حقوقی حاکم بر اقیانوسها را به صورت يك عامل واقعی درآورد که بتواند از طریق اجرای مفهوم نوگرایانه میراث مشترك بشری که مسئولیت محیط زیست را در برابر نسل آینده بعهده نسل کنونی میگذارد، منافع همه کشورها و ملتها را، از جمله در زمینه حفاظت از محیط زیست، حفظ کند.

در نتیجه چنین بنظر میرسد که مفهوم میراث مشترك بشری برای برقراری يك نظم نوین اقتصادی و قضایی بین‌المللی از اهمیت عمده‌یی برخوردار باشد. ولی علم و تکنولوژی که اکنون بصورت وسایلی درآمده‌اند که قادر به فراهم آوردن راه‌حل‌های منطقی برای مسائل دردناک اقتصادی بشری هستند دیگر ممکن نیست تنها در خدمت نوعی از توسعه قرار گیرند که فقط يك اقلیت از آن سود میبرد. ادامه و

یا تجدید بنی منطقی بنیادی نوعی از توسعه که در طول تاریخ بانسانها تحمیل گردیده بمنوان رد و نفي پیشرفت فنی و علمی و انسانی دیگر امکان‌پذیر نیست.

هرگاه اشکال تازه انرژی و منابع تازه انسانی نیز در انحصار اقلیتی از ملل و طبقات اجتماعی قرار گیرند در اینصورت بشر بدست خود دنیا را بسوی يك جنگ هسته‌یی خواهد کشاند. هرگونه استفاده نادرست از مفهوم میراث مشترك بشری بدترین و ناپایدارترین راه‌حل برای آینده جهان ما بشمار خواهد آمد.

و اما در مورد «امنیت اقتصادی دسته جمعی» باید گفت که چنین امنیتی یا فراگیر خواهد بود و یا اینکه هیچ بشمار خواهد آمد. امنیت اقتصادی باید همه کشورها و همه منابع آنها را در برگیرد. و تنها در چنین شرایطی - که تحقق آنها در حال حاضر بسیار بعید بنظر میرسد - است که ابتکارات ملل از آنها معتبر خواهد بود و انسان خواهد توانست که بطور واقعی ثمربخشی بهره‌برداری مشترك از منابع جهان را جایگزین تقسیم منابع جهان سازد.

محمد بجااوی



Photo Bézureau-Zodique © Ascent of Man, B.B.C. Publication, Londres

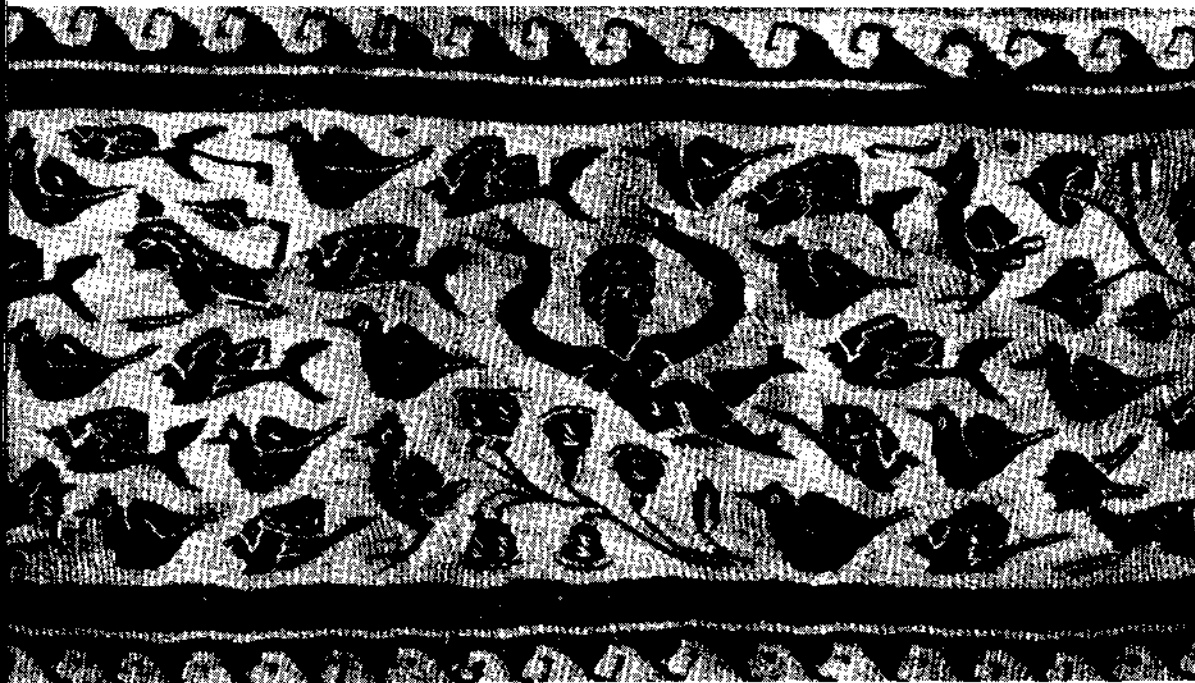


Photo © Bulloz, Musée du Louvre, Paris

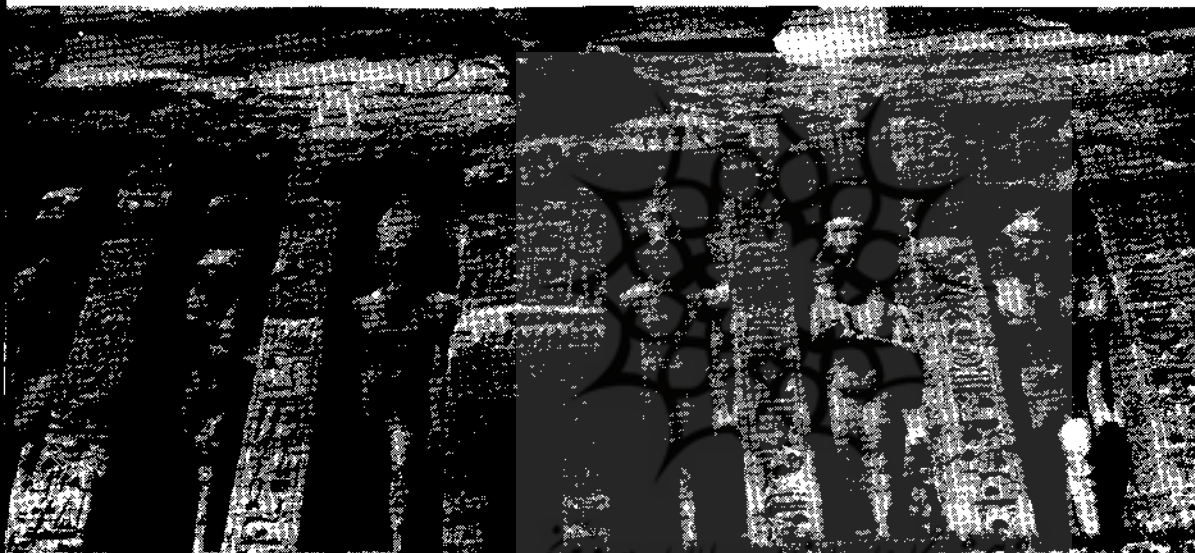


Photo Laurentza, Unesco

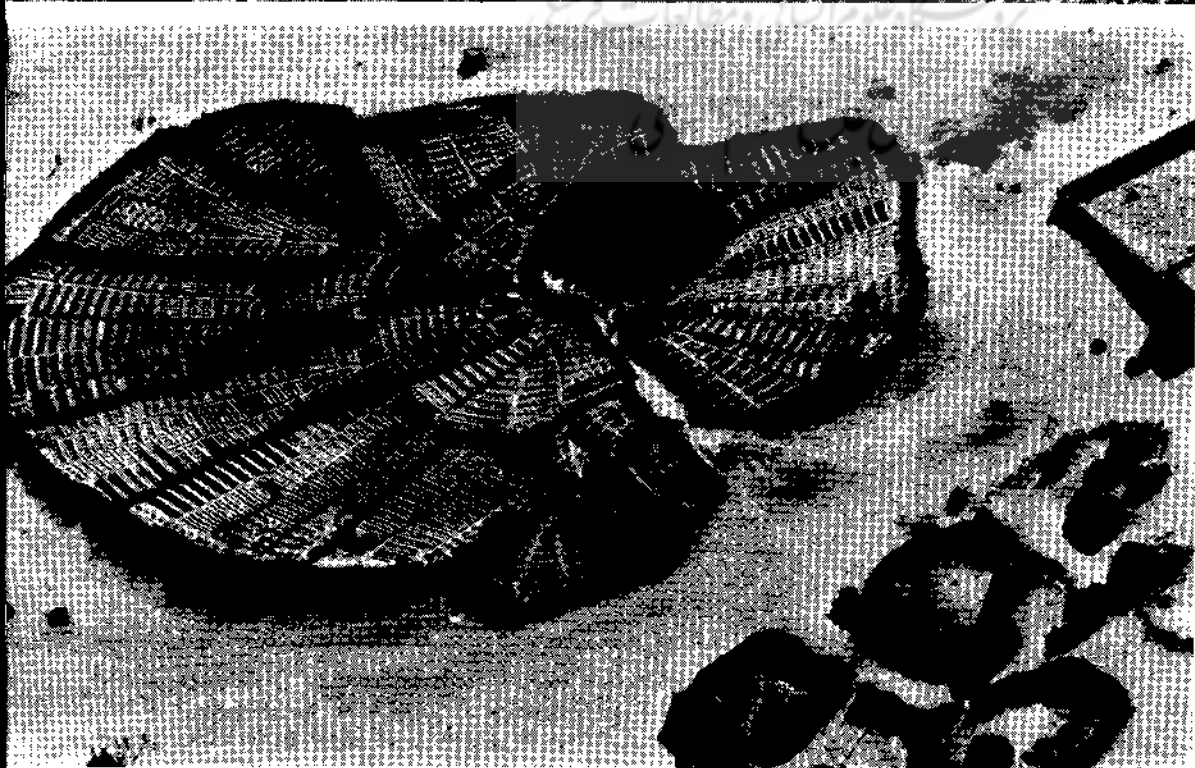


Photo Georg Gerster © Rapho, Paris

خلیج سیلاح، بسوئناسی و
 بهره‌برداری از منابع طبیعی
 قلمروهایی هستند که منافع ملل
 بدانها بستگی دارد. اگرچه انسانها
 در مورد این همبستگی ضرور و در
 مورد برابری خود - که این نقوش
 برجسته‌شگفت‌انگیز دوازده حواری
 روی یکی از صلیبهای ایرلندی
 (سمت راست) متعلق بقرن نهم
 میلادی نمادی از آن بشمار می‌آید -
 روز بروز آگاهی بیشتری بدست
 می‌آورند با اینهمه جوامع بشری
 به‌جوجه از هویت خاص خود چشم
 نمی‌پوشند و این تنوع هویت
 فرهنگی است که موجب غنای
 میراث فرهنگی و طبیعی انسان
 میگردد. در سمت چپ از بالا پایین
 تصویر اولی نشان‌دهنده قطعه‌یی از
 پارچه قبطی (اتیوپی) است که روی
 آن طرحی از رودخانه نیل و
 تصاویری از انسانها، پرندگان،
 ماهیها و حیوانات دیگر به‌ششم
 می‌خورد؛ تصویر میانی نشان‌دهنده
 معبد کوچک «اوسیمیل» در مصر
 و تصویر سوم نشان دهنده یک
 منظره هوایی از کشتزارها و خانه-
 های مخصوص یکی از مناطق
 مربوط بکشورهای مالی است.